

جای ادارہ کنیا

سرور میرزا اظہار حسین کمانی

ملکرافات و مکاتیب

بعضاں میل باشد

فومن . جنگل

دو چارہ فرہ بلع و توزیع و کتب

گت فرہ ہفت شاهی

# کنکنا

۱۳۳۵

نمایش اجرت ایچ اے اے

خصوصی باؤ فراوارہ است

مکاتیب بدون مضامین

و عنوان پذیر فرہ ہفت شاهی

دو چارہ فرہ بلع و توزیع و کتب

قیمت اشراک

بجائہ ۵۰ دان

بار پنج جہد ۲۴ دی مجہ المرام ۱۳۳۵

این روز نامہ فقط گاہبان حقوق ایرانیان و متور افکار اسلامیان است

## مدیر مسئول حسین کمانی

### اخبار حیرت انگیز

بقیہ از شمارہ قبل

آیا مہاجرین ماک صالح ترین فرزندان خلف ایرانیہ قدرت پیدا کردہ کہ بی رحمت اخبار بہ بار خود عودت نمایند؟

آیا دشمنان ایران دندان طمع را از تصرف فائز موردی مکنند؟ آیا امتیازات فائز بر انداز قدیم و جدید را العا کرید؟ آیا فائزین ایران فرودش را بجزارت رسانید؟ یا ارتقا در تہ و ترفیع مقام آنها را بعد از حیانتی صریحہ جلوگیری نمودید؟

آیا منبع تشکیل پلیس جنوب کہ مقدمہ عیوبت است قادر شدید؟

آیا در راه اصلاح مملکت قدمی برداشتید؟ یا اظلا بقدر ذرہ از خرابیہای فعلیہ کہ روز بروز ذرہ بذر است جلوگیری نمودید؟

آیا جنوب را از طغیان فرمانروا دوہم متلکان او

مستخلص نمودید؟ آیا موفق اداری یک خیالی کہ مقصود اصلاح مخصری در مملکت باشد گشتہ؟

آیا قدرت پیدا کردید کہ یک نفوذاکم وطن پرست فعال از مثال غیر السلطنہ را بجلومت یکی از نقاط ایران اغوام نمایند؟

آیا جزئی معاوضتی در مقابل ادنی تجاوز اجانب نمودید؟ عجب با استیلای اجانب ، با دسیہ کاری و نیت غیر حسہ انگلیسہا ، با بغای قشون روس ، با تسکیلا پلیس جنوب با اظلات صریحہ ہا یگانہ بی برقی اوضاع ، با کستہ گی رسنہ مقام امور ، با جلال دو زر رینہ ، با فلاکتہای طاریہ ، با فقدان ہر چیز ، با بطلان ہجہ ہا بجمہ بہ بختہای تحمل و سانی کہ نزدیک است

عوالم مجادیتہ نیز حس کردہ و متاثر شوند این بگاہ قوہ قلبہ را کہ در طرف بہت و بہت باقیام خود بی آنکہ از بیج ستمی معاوضتی دیدہ ، اساعدنہ مشاہدہ کند با فرض برای دولت ایران تہیتہ نماید بہ ہزاران



مشکلات و مخاطراتی که ذکر هر یک را کتابی مفصل  
 ضرور است و اکنون نقطه نظرشان اصلاح ایران  
 رفع تعدی همایگان، صیانت تاج و تخت کیان و  
 حفاظت مذهب نیایان و انجام آخرین درجات  
 و ظایف ایرانیست است متفرق میجوید هنوز  
 از وزراء و حکام گرفته تا ادنی مامورین جزو ادارات  
 رسمی ایران باید میل و اراده یا خواش دوستانه  
 دیگران تعیین شود هنوز یک اداره صحیح العمل یا  
 یک محکمه با صلاحیت برای دادرسی مطلوبی که  
 سالهاست باید دیده می پر از است حسرت منظر  
 افتتاح آن تمدن تاسیس نشده، هنوز ناصر الملک  
 برای نامشخصت ایران فردوسی بقوت دولت  
 انگلیس با وضوح احتیاجات اسف آور دولت و عمر  
 بی باانش با بیانه مبلغ کلی میگیرد هنوز فرمانروا  
 بمقتضای آن در قطعه جنوب در مقابل او امر دولت  
 ایران مقاومت کرده و خودش را هر یک شیبونی  
 دولت انگلیس مانند یک دولت مستقل دانسته  
 احکام مرکز را هیچوجه قابل اعتنا نمیداند هنوز نتوان  
 آید یکی از هزاران در دمای ظاهری و باطنی را در ما  
 نماید با این کیفیت با این فلاکت و با این ترتیب  
 باید افراد حائس ایرانیه هم مثل سایرین خواب  
 غفلت رفته یا در زاویه خموشی خرید و بیکتره ملکیت  
 در تحت استیلا و تصرف دشمن در آید.  
 دولت که دارای قدرت نیست متقدنین و  
 صاحب ثروتان ملکیت متشخصین مصنوعی و  
 بزرگان دروغی که وظیفه دیانت خود را نوکری  
 اجانب دانسته و کارکنان اجنبی مانند  
 ملت که برای تعلیمی و جهالت یا فساد اخلاق

تجزیه و سرگردانند از نظام و قشون منظم که مثل سپه  
 و کیمیا فقط همی مانده بدون رسم، قیام عمومی یا  
 انقلاب ملی که از اثرات حسن مرشاد وطن پرستان  
 با حسن ظاهر میشود غیر نافع است، ردستون باغی  
 نظامیان مسایه و استیلای آنها غیر مناسب، ترور  
 که بدست سبب خرابی ملکیت است، مجازات  
 خائنین و بدکاران برای حمایت جانب و غیر  
 متعدد، تسکینات قشونی و تنظیمات مالیه و تصحیح  
 ادارات را که دیگران نمیکند آرنند، برپایی محال  
 صریح گویند ایران باید تقسیم دشمن شود، ایرانی باید  
 حیات استقلالی خود را و داغ گوید، ایرانی باید  
 از شرافت محروم باشد، ایرانی باید سرگردان تر  
 و پریشان تر از یهودیان قدیم باشد، ایرانی باید  
 هزار کس با جمال غیر گردد و  
 عجب حسی، عجب حتمی عجب غیر  
 جای حیرت است که چگونه کنفرانس دارایی شانه  
 که بقدر خردلی تواند ادراک حسن و قبح نماید چنین  
 ایرادات و غمخوارات بی رویه اقدام میکند.

جنگلیها چه میگویند جنگلیها چه میخواهند :  
 جنگلیها میگویند ایران مال ایرانی است دست  
 اغیار باید از استیلای باین ملکیت بکلی قطع شود  
 جنگلیها میگویند ایرانیان باید در خانه خود بدون  
 تجاوز و اذیت همایگان بر احوال مشغول اصلاح  
 باشند جنگلیها میگویند باید تاج و تخت قدیم  
 از مختصات شاهانه حریت پرور سلطان  
 احمد شاه بوده و این سلطان جوان بخت  
 دارایی سطوت و ائمت شهریاران بزرگ عمر باشد  
 جنگلیها میگویند نیت حاضره دولت که از فعال

شماره  
 ترین و مجرب  
 در دوره  
 منوحت و ک  
 بلکه سعادت  
 تا این کن  
 جنگلیها  
 و استفاد  
 و جنبش ملی  
 بنوعی شبیه  
 که بعد با مجار  
 جنگلیها  
 تعرض انگلیس  
 را با دست  
 قرار داد  
 جنگلی  
 در یک چ  
 نده یا یکی  
 رسمی و دولتی  
 جنگلیها  
 خود را بکن  
 جنگلیها  
 نیک و بد  
 و نامن  
 جنایات  
 بلکه بار نفا  
 جنگلی  
 جنگلیها  
 با تقییس و







بالاخره آمال قلبی جنگلیها مرام واقعی جنگلیها، مقاصد حق  
جنگلیها. استماع شورای ملی استحکام مبانی سرود  
استقلال ملکت، راحت ملت، محو ظلم و استبداد  
قانع و قمع ریشه تغذی و خیانت، مصونیت وطن از  
تعرض دشمنان است.

جنگلی غیر از این مقصودی نداشته و سوای این  
سودایی در سر ندارد گواه صدق این مدعا عملیات  
میت و مشت با آنها که در نظر عموم بوضوح آفتاب  
است.

جنگلیها تا با روزهایی شروع خود که اجمالاً ذکر  
نامی ننمودند محال است از پای بنشینند یا دچار  
رفاوت و سستی گردند بدگو و بدبین بچویش میخواهند

بگوید باکی نیست  
بگویشش توان در کارش است  
نشاند زبان بداندیشش است

ما انصاف منصفین و احساس مردمان حساس  
مدرک قرار میدیم لزوم تحریر بعضی مقالات نافه بار  
از ذکر واقعات قیام جنگلیهای گسیلان از آغاز  
تا با مرز و شرح مصائب و صدائیر که در این شد  
با یک ثبات حیرت آوری تحمل نمودند مجاشا باز داشته  
قطب بدگرجهی از مرام و آمال و نیات حسنه آنها  
در این شماره انعکاس کرده و در نثرات بعد بعینیت  
خنده ندی اختصاراً تا به نخبه زحمات تحمل دستهای انزوا  
برای آگاهی عموم خواهم مذکور داشت از کابینه حاضر  
که مورد وطنیان و محل توجه عامه است انتظار داریم  
در هر چه در در فضالت و جبارت و مقاومت  
با مشکلات که اجانب خصوصاً دولت مظلوم را  
انگیس عادت نمود. و بنمایند شروع با اصلاحات

و مد طرف تجاوزات بیگانگان کرده و خایف جنبه  
یک کابینه فعال و وطن پرست را انجام دهند تعلق  
دستی ملاحظه یاجین، رفاقت با آمل اندیشی اسباب  
بأس ملت تجوی فائین دین و دولت استغاده  
کامل دشمنان وطن خواهد شد.

در ختم مقاله مسابگان بنایه آزار خصوصاً دولت  
حق کش انگلیس و آنخانین بوجدانی را که مزدور کارگر  
آنها هستند متذکر ساخته بایک صدائی است که در  
فضای کرده منعکس گردد میگوئیم ایران مال ایرانی است  
محال است خدا و طبیعت بگذارد تجاوز و تغذی متغذیان  
متجاوز دستگیر و درایم گردد.

چنانکه فلاسفه گفته اند: قسردانمی  
محال و صاحبانشان در و زرو و بالند

از مکاتیب وارده

آقای مدیر معروف است در حق که بیخ حکم ندارد شیخ  
خرم نیارد ببط نور وجود و نظم بزم شهود برای  
تکمیل طاعت و معرفت است الطاعه فرخ صلها  
الشرع و بهترین طریق حصول باین مقصد متابعت  
از شریعت است سلام است که رواج آن بقوت با زوی  
جهد است از بد و خلقت آدم الی زمان نبی الخاتم  
علیم سلام الله اجراء احکام دین بترجمت مجاهد مشابه  
نیفتاد مخصوصاً در اجراء احکام اسلام رونق بازار  
مجاهدت افزون گشت در عهد سلف آفانده برین  
با صابت تیر و عاود مسالت اسبابی دیگر و حاجت  
بجهد و سیف کتر بود در دوره نتم الخلف عروا  
حیدری وحدت ضرب ذوالفقار باندک موجی  
استی فوجی غرق نمود نا اوراق جا بلت بچون شسته

شماره  
گردید و در  
فانجه نده و  
المصطفی الق  
هم سر برده  
خته ز سر خط  
و قایه دین  
حکمت و جر  
برو و مقضی  
غیبت نهفت  
تعرض بجزوه  
واق گرفته  
که مجاهدت  
بأس دار  
میله خلا  
آشفته از تو  
لشکر کفر از  
رحمة الله کیف  
اسلام کب  
خود بسختی تر  
داری و حفظ  
نموده اند  
سزاوار  
طعنه بر اسلام  
از عادت  
شده اند  
بهلول در امر  
از حد ادب  
و عینا در این



گردید و دین حق ظاهر و زمانه بشریت آری است نه  
 فالحمده لله و لثمة اللقب اعز بالتيف دين  
 المصطفى القرب انتم دين صلوات الله عليهم  
 هم سر بر راه محبت نهادند یکی گشته دشت خوانند یکی  
 خسته ز سر جفا گردید و احد بعد واحد جان شریف در  
 وقایع دین حیف نمودند تا محبت بقائم امانت گرفت  
 حکمت و رحمت بملاحظه آنکه نقد مردمان بر محبت آن  
 برود و مقضی شد که چهره پضای امانت در طرزه سودای  
 غیبت نهفته گردد و بعد از این در سرد دره که دست  
 تعرض بجزه اسلام گشوده شد تیغ جفا که از رنگ  
 و اوق گرفته گردیده در کف مردان کار آمد و آمد  
 که مجامعت بر میان بستند و در مقابل دشمن نشسته  
 باس و ازان ملک و دین شدند رشته سخن بدراز  
 میبند خلاصتا با انجام میرسانم در این عصر که خاویا  
 اشفته از تواریخ و نواب در شده و قدرت را گرفته  
 لشکر کفر از طرف اعطای نموده بحکم فایز و الی انار  
 رحمة الله کیف تخی الارض بعد موتها هیت محترمه تجار  
 اسلام گیلان صانها الله عن الحدان هیت عالیه  
 خود یعنی تن در دادند و بغیرت سر نهادند و دین  
 داری و حفاظت از حوزه اسلامی از خود معنی  
 نموده اند.

سزاوار است در خود رفت که مرکز گیلان است  
 طعنه بر اسلام زده شود و اجراء احکام و قواعد اسلام  
 از عادت پوشیده شمار آید.  
 شهانه ملاحظه یک فراز از شماره هشتم جریده  
 جلول در امروز چنان پریشانم دشت که خطرات  
 از حد ادب خارج شده و در مقام جبارت برآمده  
 و عینا در این صحنه درج کردم (ایامیل دارید بدین)

اگر تمولین رشت و حوالی کونفرهانی را که در باطن  
 باسم عیسی و شک موسی زبان میکنند فقط در همین  
 بخلاف عادت پوشیده خود رفتار کرد و رفت  
 آن را در یک محلی جمع کنند یک بانک کوکب تلی  
 که دارای دو بیت و پنجاه هزار تومان است تسکین  
 خواهد شد) با عدم بضاعت و فقدان استقامت  
 حکم قائل این مقاله را حواله بسلمین حوزه محترمه  
 اتحاد اسلام نمودم.

لقد ذهب الاسلام الا تقيته قليلا من اناس  
 الذي مولاهم كلكم راع وكلكم مسول  
 امضا بكنوز سلمان

جنگل

هیت محترم اتحاد اسلام که نام عملیات خود را  
 بر طبق قانون مقدس اسلام مجری داشته و دارد  
 البته در اینخصوص مطابق وظیفه و یانی خود رفتار  
 نموده از مفاسدی که برای دین و دولت تپه  
 شود جلوگیری خواستند کرد.

اداسات

انوی زاکان زود ویریزید بجا گنام سر  
 شیمی بجا سیاندا آجان بشو حمام سر  
 بعد از قلیان هزار خوابه جنگلین بمبره نشه  
 ملک سلیمان طرف صمصام در ضرغام سر  
 اشان آسنه و بش انگلیس احوال پرسی  
 پلیس جنوب و مانع چاقی کلاچ شوم دهم  
 اوی انگلیس اوی انگلیس تی جانک نک و این  
 کنس چاق بپنی یکسره دوی تی بام سر  
 تی خوج خورش زینم تی گاز کابیل کنسینم



تر بدو در هم ریشی انام در سیام ستر  
 تو چرا گئی آنا چره تو پ و تفنگ میان نیم  
 فی کشتن رقی سوختن چونکه داریم قیام ستر  
 ابی خرم دانه برار آلمان خدا پد است  
 خلع سلاح کب بزه دو هفته پیش کلهام ستر  
 روز یک وقاپاس با تو فرس و کنس حلق  
 دشمنان ایران ره وقت نامار و شام ستر  
 شمی جان نازم بشید زود بشید زود گیرید  
 امر اجمالت ند مهبید سیروس در بهرام ستر  
 خرم جواب حاضر کنید گاهه در ترمه  
 جمشید فرخسرو در ایران بر رام ستر  
 آب بواب خاک بنوخاک آناه او دوده پاک  
 اسی خدا جان مددکن جان نبی امام ستر  
**فصلنامه های سیاست**

بقیه از شماره دهم

اصیاج همه وقت مولد حرکات و تجددات شده  
 شود فضیلت های سیاست جرات هستند از اوصاف  
 عالی و روح منویات در امور ترقی .  
 البته اوصاف و سجایای آریسته بهتر از هزار جور دانش  
 بی روح و جبارت موثر و نتیجه بخش است .  
 (گوستاو پولون ، مصنف مشهور فرانسوی میگوید  
 سچیه است که افراد و اقوام را اداره میکند نه سوتیه .  
 (بنتارک) آن مجتهد هوش سیاسی در عجزه دی  
 بجز کتاب که یکی انجیل بود میری نداشت .  
 از برای پیشرفت آنها نیکه لازم است شیراز هم بگردد  
 پر قوه و یک عزم با حرات لزوم دارد  
 فضیلت سیاست به مراسم و آداب دیپلوماسی نیست

فقط روح کار است بی نیم که ام دست قدرت این باد  
 ز خمدار و پربان ما زنده خواهد کرد .  
 ز نگشهای داخلی و نه تهدیدات خارجی هم گذرد  
 اصلاحات موافق حقیقی بنوده و نخواهد بود .  
 اصل موافق را در ضعف روحی ما باید جست . این  
 وطن پیش از همه ذی قدرت محتاج است .  
 تا کنون ترقی را بگذریم بارواح اینقدر تبدلات و تغییر  
 کوشش نماید از آن مانده اند سرعت زوال و خرابیها  
 مملکت که بایک روش تندی میرود مانع شوند .  
 ولی ما ما امید نیستیم و قائل بر این هستیم که نور بهبودی  
 پیشرفتی خیلی نزدیک است . ده چیز را بهر داریم  
**کتاب آمد - امید**

از مقالات فروده

برای فقر چه تدبیری کرده اید  
 اسال برای نقصان زراعتی فحلی همه را تهدید بسلامت  
 میکند قشون همایگان هم سر بار زحمات مانند آن  
 مقدار آذوقه که باید صرف مالی شود این همانان ما  
 تصرف کرده و بنا میکنند .  
 از داخل ایران متصل مرد و زن و طفل برهنه و  
 گرسنه وارد گیلان شده و میشوند آنان در شهر و قبا  
 و قرا، گیلان با حال انفاکی زندگی کرده و این  
 منظره رقت آور دل بر سنگدلی را کباب میکند  
 آیا با این حال گیلان که نصف حاصل زراعتی را  
 اش برای قلب آب موفقه چه تدبیری برای خود قرا  
 غیب بچاره خواهند اندیشید ؟  
 بعقیده ما مالی گیلان باید بغویت دور و بی نظافت  
 کند اولاً برنج گیلان باید صرف گیلان و داخل

ایران گردید  
 بخارج محل  
 در مجالس  
 صرف چای  
 ثواب و است  
 چای و تفل  
 بهر مقدار  
 بچاگان که  
 وزنگاتی را  
 عالی زندگان  
 رسول و ح  
 علیه السلام  
 و تهنیه راحت  
 این است که  
 باب اقدام  
 امین در  
 راجع آوری  
 اگر بغیر این  
 تلقی کنند  
 تلف شده  
 مجازات و  
 بیانات  
 تحصیل ثواب  
 و تهنیه ما باید  
 چای و صرف  
 بیت معتد  
 در این مینهاد



ایران گردیده و شنید شد که بقاچاق و محرمانه برنج  
 بخارج محل می شود مراقبت و جلوگیری نمایند ثانیاً  
 در مجالس روضه ماه محرم و صفر و سایر اوقات  
 صرف چائی را متروک نمایند زیرا قصد همه که تحصیل  
 ثواب و استماع ذکر مصیبت است مقصود صرف  
 چائی و تغذات نیست قیمت قند چائی را کمی  
 بهر مقداری که مصرف میگرد برای فقراء و  
 بیچارگانی که از شدت گرسنگی و فشار پریشانی قحط  
 و زندگی راترک گفته در سرگذرنا و راهها بیدار  
 عالی زندگانی میکنند مصروف داشته که خدا  
 رسول و حضرت سید الشهدا و سایر ائمه اطهار  
 علیهم السلام در این اقدام خیر و احیاء نفوس مسلمانان  
 و تهنیه راحت آنان خوشود خواهند بود بهتر از همه  
 این است که بنیت مقدس اتحاد اسلام در این  
 باب اقدام عاجلی کرده کیستونی مرکب از اشخاص  
 امین در رشت و نقاط دیگر تشکیل و وجه قند و چای  
 را جمع آوری نموده مرتباً خرج فقراء و غرباء نمایند  
 اگر بفراین ترتیب رفتار شود مطالب بلا قید و  
 تلقی کنند و دولت این جمعیت گرسنه پریشان  
 تلف شده و همه گیلانها مسئول و معاقبت دچار  
 مجازات و عقوبت خداوندی خواهند شد.  
 بیانات با تغییر دیگر نشود مجالس روضه برای  
 تحصیل ثواب و از یاد اجزای خودی و حفظ شعار  
 دینیته ما باید منعقد شود فقط منظور مازک قند و  
 چائی و صرف قیمت آن برای فقراء و مسکین است.

جنگل

بنیت مقدس اتحاد اسلام و امانی گیلان یقیناً  
 در این مبنیاد مشروع که متضمن صلاح دین و دنیا

و حفظ نفوس کثیره آواره از خانمان است عطف  
 توجه کامل خواهند نمود.

اخبار شهری

از رشت می نویسند بی ترتیبی اوضاع برای خندان  
 حکومت یکطرف گرانی ارزاق و مشا به حالت  
 اسفناک مردمانیکه از شدت گرسنگی و تعدیات  
 نظامیان غیر بگیلان آمده اند بیش از همه  
 چیز سباب تاتف گردیده چوخ تمام دارا  
 از کار مانده دولت هم عطف توجهی بگیلان  
 ندارد از طرفی در سه چهار نقطه شهر تمارخانه  
 باسم همانخانه یا کلوب تاسیس شده که  
 حقیقتاً یک کمک بزرگی برای افلاس امانی  
 مملکت است بقیه هستی مردم با کیونج عفت  
 و جهالتی در آن جا از بین میروند به تراز همه  
 افعال میرزا ابراهیم خان معاون و مددکن  
 اوست بعلاوه اینکه نظم شهر را مختل کرده  
 سهل است چند نفر صاحب منصبان و طیفه  
 شناس را که در موقع استامی آنان را ذکر  
 میکنیم از اجزای و طالبان باز داشته بملکه  
 پریشانی ما بقدری است که این مختصر را گنجایش  
 آن نیست و طیفه بنیت اتحاد اسلام است  
 که سر بکار دولت تقاضای اصلاح امور است  
 گیلان را نموده گذارند که رشته انظام امر  
 گیلان هم در این موقع بار یک مثل ست باره  
 ولایات ایران بکلی گسخته شود. انصاف محفوظ  
 جنگل سه کمر دولت با رعایت اوضاع گیلان توجه کرده  
 بد بخانه تاکنون اثری نشده مظهریم که با وضع حالیه خانه  
 داده برای اصلاح ادارات گیلان اقدام عاجلی نمایند



چرخند پرند  
۲۲ عهد سعادت

ملق های حضرت اقدس و لاشا هزاره فراتر  
و دانت فارس.

فعالیت حضرت اشرف و ثوق الدوله در کنگرته  
مجازات.

اقدامات حضرت اشرف سپهسالار عظیم در اصلاح  
امران ما را بیک آیه درخشان نزدیک میکند  
ضرورت داشت که حضرت در آنفرما با رحمت  
نطق از خود معرفی نماید خدات ایشان و هم  
سلیکان ایشان را در تشکیل مجلس جنوب کیتون  
محلط مالینه و اعتبار تجدید و غیره را تاریخ معروف  
خواهد شد.

خوشتر آن باشد که سردلبران

گفته آید در حدیث دیگران

بی عقل خودتی

کما بکه نسبت استقلال علمی را بجنگلی میدهند بدین  
نسبت بی مقصودی ندارند مگر آنکه میخواهند عدم تعقلی  
برمی جنگلی با ثابت کرده باشند.

زیرا تقویایی که در نفوس ایرانی دم در یادش بعد از  
ترقیب احصایه معلوم خواهد شد) برای حفظ استقلال  
خودشان متخیرند آنوقت جنگلی با وجود همسایگان  
همین که ابد اطمینان بایران ندارند تنهائی کیلان را  
مستقل خواهند کرد آدم عاقل که هیچ کاری اقدام میکند  
چون خود را بی عقل نمیدانیم ناچار مؤذبه عرض میکنیم  
بی عقل خودتی.

فعلیت

توسلگری منم شت نمید که در جریده جنگل میبیند قول

فصل لازم است برای اثبات مودت خوست فطیعی  
نشان دهد لهذا اتباع و تشبیهن خودشان از فرمودند  
کافی السابق امسال هم در پرداخت ثایات با پیون  
دولت ایران کلاه عاشاره کرده اند.

از طهران

آژانس سیاده

پیش نهادت حضرت اشرف حاج معاذ الدوله در مجالس  
خمس

- ۱- ایالت جلیله - خود حضرت اشرف (باغیاریات تهر)
  - ۲- نسیب الایاله (بساوند) مخاطب السلطان (حاج هشتم نسیب)
  - ۳- کار گزاره - میرزا ابوفان عظیمی (نیل در ایش)
  - ۴- رئیس تکلیات - جناب مستر سوبگ (با امانت)
  - ۵- رئیس عدلیه - آقای حاج معین الملک (مقبول عامه سلین)
  - ۶- رئیس تألیفات و منقش - میرزا محمود خان (در سپله)
  - ۷- قونول - جناب نجار سف (مجتهد و مکرایی)
  - ۸- مستشار - (فداحت کندر حرم معاذ الملک) و سایر
- حرکت قائم مقام الملک شریعت نامه باید توسط بعضی افراد  
۹- رئیس حفظ الصوره - دکتر ابراهیم خان احیاء السلطنه  
(با صافی عقیده است)

۱۰- بخت امنیت شهر توابع - چند دسته از مجلس جنوب  
صیبه ذائق شمال.

در صورت ذابم آمدن این اشخاص آنوقت دارالرز  
می شود وادی طور با تنظیمات مجلس تازه ترتیب شده  
دولت فخره انگلیس به به نور علی نور عزیزین  
باشد استعفا میدهم مقصود خدمت به دولت است  
کیلان نباشد خراسان، اصفهان، شیراز  
کرمان همین ترتیب به جا را قبول دارم الحزنه  
هم پول دارم هم کفایت.